



امام خمینی(ره) بر مبنای روایت «العلم سلطان»، رشد و پیشرفت علمی را لازمه‌ی راهی از وابستگی به شرق و غرب و تولید قدرت ملی می‌داند،

«اشکال ما این است که مواجه هستیم با اشخاصی که بدون توجه به مشکلات و بدون توجه به خواست های ملت، به مجرد اینکه گفته می شود اینها را باید اسلام می گویند یعنی تخصص نباشد. اینها می خواهند که به دنیا ارائه بدهند که اسلام با علم و تخصص مخالف است، در صورتی که آیات قرآن کریم آن قدر راجع به علم و راجع به تخصص و دانش سفارش فرموده است که شاید در سراسر کتب دیگر نباشد. اسلام با تخصص، با علم، کمال موافقت را دارد، لکن تخصص و علمی که به خدمت ملت باشد؛ در خدمت مصالح مسلمین باشد. یک صحبت این است که ما متخصص نمی خواهیم، این را به طور تبلیغات نسبت می دهند به بعضی - مثلاً - مسلمین که وقتی می گویند باید در دانشگاه، انقلاب فرهنگی بشود و باید دانشگاه ها اسلامی باشد، اینها از این فوراً و منتقل می کنند مطلب را به اینکه دانشگاه ها دیگر طیب لازم ندارد، متخصص طب نمی خواهد، متخصص صنعت های پیشرفته نمی خواهد، فقط باید بروند آنجا و مسائل و احکام اسلامی را بگویند.

این از شیطنت هایی است که شاید از بعضی از افراد و گروه ها نسبت به اسلام و انجمن های اسلامی که گفته می شود و در خصوص انقلاب فرهنگی، اینطور تبلیغات می شود. اینها نمی دانند که مقصود ما که می گوئیم باید تمام گروه ها، تمام نهادها و به خصوص دانشگاه ها که مرکز علم است و مغز متفکر جامعه است، ما که می گوئیم باید اینها اسلامی باشد، نمی گوئیم که ما احتیاج به متخصص نداریم. تا آنجا اسلام کوشش دارد و برای متخصص که در احکام عادی هم، در احکام شرعی هم، متخصص تر را میزان قرار داده است، رأی متخصص تر را میزان قرار داده است.» (۴ خرداد ۱۳۶۰)

علم و معنویت، دو بال جوان انقلابی

در عین حال یکی از تأکیدات امام (ره) در کنار پیشرفت و رشد علمی جوانان همگامی آن با تزکیه و تربیت معنوی و اخلاقی است و این دو را به مثابه یک بال دانسته که اگر در کنار هم نباشند نمی تواند به نفع ملت و نظام باشد و لذا می فرمایند: «دانشگاه و حوزه های علمی و روحانیون می توانند دو مرکز باشند برای تمام ترقیات و تمام پیشرفت های کشور. و می توانند دو مرکز باشند برای تمام انحرافات و تمام انحطاطات. از دانشگاه هست که اشخاص متفکر و متعهد بیرون می آید. اگر دانشگاه، دانشگاه باشد، اگر دانشگاه واقعاً و دانشگاه باشد و دانشگاه اسلامی باشد؛ یعنی در کنار تحصیلات متحقی در آنجا، تهذیب هم باشد، تعهد هم باشد، یک کشوری را اینها می توانند و به سعادت برسانند. و اگر حوزه های علمی مذهب باشند و متعهد باشند، یک کشور را می توانند نجات بدهند. علم تنها اگر ضرر نداشته باشد، فایده ندارد. تمام این، وقتی ما به یک نظر وسیعی به همه دنیا و به همه دانشگاه هایی که در دنیا هست بیندازیم، تمام این مصیبت ها که برای بشر پیش آمده است ریشه اش از دانشگاه بوده. ریشه اش از این تخصص های دانشگاهی بوده. این همه ابزار فناء انسان و این همه پیشرفت هایی که به خیال خودشان در ابزار جنگی دارند، اساسش از دانشمندانی بوده است که از دانشگاه بیرون آمده اند. دانشگاهی که در کنار او اخلاق نبوده است، در کنار او تهذیب نبوده است. و تمام فسادهایی که در یک ملتی یا ملت ها پیدا شده است از حوزه های علمی ای بوده است که متعهد به دستورات اسلامی نبوده اند. تمام این ادیانی که ساخته شده است از دانشمندان و علما سرچشمه گرفته است. علمی که پهلوی او اخلاق و تعهد اسلامی و نبوده است، تهذیب نبوده است، دنیا را دانشگاه به فساد کشانده است. و دانشگاه می تواند به صلاح بکشد. دانشگاه های سرتاسر جهان اگر موازین انسانی را، اخلاق انسانی را، آنچه که در فطرت انسان است، در کنار تعلیم و تعلم قرار بدهند، یک عالم، عالم نور می شود. و اگر تخصص ها و علم ها منفصل باشد از اخلاق، منفصل باشد از تهذیب، منفصل باشد از انسان آگاه، انسان متعهد، این همه مصیبت هایی که در دنیا پیدا شده و است از همان متفکرین و متخصصین دانشگاه ها بوده. این دو مرکز - که مرکز علم است هم می تواند مرکز تمام رفتاری های بشر باشد و هم مرکز تمام ترقیات معنوی و مادی بشر باشد. علم و عمل، علم و تعهد به منزله دو بال هستند که با هم می توانند به مراتب ترقی و تعالی برسند» (۲۷ آذر ۱۳۵۹)

در واقع تأکید اصلی امام(ره) بر افزایش قدرت کشور از طریق پیشرفت علمی به واسطه وابستگی دانشگاه ها به غرب است که مانع از تحقق این اتفاق می شده است و لذا ایشان دانشگاه را در جمهوری اسلامی در وهله اول جایی می داند که باید انسان های خودساخته و خودباور تربیت کند که تخصص و دانش خود را در مسیر منافع ملت و رشد و پیشرفت جامعه به کار گیرند و براین اساس بیان می دارند «آنچه که ما می خواهیم بگوییم این است که دانشگاه های ما، دانشگاه های وابسته است. دانشگاه های ما دانشگاه های استعماری است. دانشگاه های ما اشخاصی را که تربیت می کنند، تعلیم می کنند، اشخاصی هستند که غربزده هستند. معلمین بسیاری شان غربزده اند، جوان های ما را غربزده بار می آورند. ما می گوییم که دانشگاه های ما یک دانشگاه هایی که برای ملت ما مفید باشد، نیست. ما بیشتر از پنجاه سال است که دانشگاه داریم، با بودجه های هنگفت و کمرشکن که از دسترنج همین ملت حاصل می شود، و در این پنجاه سال نتوانستیم در علوم که در دانشگاه ها کسب می شود خودکفا باشیم. ما بعد از پنجاه سال اگر بخواهیم یک مریضی را معالجه کنیم، اطبای ما بعضی هایشان یا بسیاری شان می گویند این باید برود به انگلستان؛ پنجاه سال دانشگاه داشتیم و طیبی که بتواند کفایت از ملت بکند، از احتیاج ملت بکند، به حسب اقرار خودشان نداریم. ما دانشگاه داشتیم و داریم و برای تمام شئونی که یک ملت زنده لازم دارد احتیاج به غرب داریم. ما می گوییم دانشگاه باید از بنیان تغییر بکند و تغییرات بنیادی داشته باشد و اسلامی باشد، نه این است که فقط علوم اسلامی را در آنجا و تدریس کنند. نه اینکه علوم دو قسمند. هر علمی دو قسم است: یکی اسلامی و یکی غیراسلامی. ما می گوییم که در این پنجاه سال یا بیشتر و ما دانشگاه داریم، فرآورده های دانشگاه را برای ما عرضه دارید. ما می گوییم که دانشگاه های ما مانع از ترقی فرزندان این آب و خاک است.» (اول اردیبهشت ۱۳۵۹)

با بررسی مجموعه این بیانات می توان به این نکته دست یافت که از نگاه امام(ره) جوانی، رشد علمی و تربیت دینی ارتباط عمیق و مستقیمی با هم دارند و جوان انقلابی برای تأثیرگذاری بر جامعه با به سلاح علم و تقوا مجهز باشد تا بتواند اقشار مختلف جامعه را به سمت آرمان های انقلاب جذب کند.

همچنین امام(ره) با مشاهده وضعیت دانشگاه ها و محتوای دانشی تولید شده در آن، درمی یابند که این دانشگاه نمی تواند تولید قدرت کند و تنها راه اینکه دانشگاه و دانشجو در مسیر منافع ملی و افزایش اقتدار کشور حرکت کند آن است که از وابستگی به شرق و غرب رهایی یافته و با خودباوری و اتکا به توان خود در عین کسب علم و دانش از هر نقطه جهان، تخصص و علم خود را برای قوی شدن کشور در اقتصاد، صنعت، پزشکی، کشاورزی و سایر حوزه ها به کار گیرد و با تحقق این اتفاق مهم است که امید در جامعه آفریده می شود و جامعه امیدوار به آینده و دارای چشم انداز زمینه حرکت رو به جلو و تبدیل شدن به یک قطب قدرت جهانی را دارد.